



بنی امیه می خواست باد امام حسین (ع) از ذهن مردم فراموش شود

حاکمان ظالمی بودند که کربلا و مرقد حضرت حسین (ع) را خطری برای خود می‌دانستند و علاقه مندان اهل بیت (ع) را از زیارت کربلا منع می‌کردند. آنان می‌خواستند یاد و خاطره حسین (ع) از ذهن مردم فراموش شود.

حاکمان ظالمی بودند که کربلا و مرقد حضرت حسین (ع) را خطری برای خود می‌دانستند و علاقه مندان اهل بیت (ع) را از زیارت کربلا منع می‌کردند. آنان می‌خواستند یاد و خاطره حسین (ع) از ذهن مردم فراموش شود.

به گزارش خبرگزاری مهر، حاکمان ظالمی بودند که کربلا و مرقد حضرت حسین (ع) را خطری برای خود می‌دانستند و علاقه مندان اهل بیت (ع) را از زیارت کربلا منع کرده و مشکلات بسیاری برای آنان ایجاد می‌کردند. بنی امیه پس از واقعه کربلا متعرض قبر امام حسین (ع) نشدند؛ زیرا از عواقب جنایتی که کرده بودند همواره در هراس به سر می‌بردند. بنی امیه سختگیری می‌کردند، اما نمی‌توانستند مانع زیارت کربلا شوند. آنان می‌خواستند یاد و خاطره حسین (ع) از ذهن مردم فراموش شود.

موضع گیری حاکمان ظالم در قبال مرقد حسینی

حکومت بنی امیه پس از مدتی منقرض شد و پس از آن دوران فترتی پیش آمد که دوستداران اهل بیت (ع) اندکی آسوده شدند و فرصتی برای زیارت مرقد شریف امام حسین (ع) برای آنان فراهم آمد. این دوران فترت میان سالهای ۱۱۴ تا ۱۴۸ هجری بود؛ اما پس از گذشت این سه دهه، بنی عباس با مرقد حسین (ع) کاری کردند که اموی‌ها نکرده بودند. آنان در قتل امام حسین (ع) شرکت نداشتند، اما از اهانت به مرقد شریف چیزی کم نگذاشتند. اولین خلیفه عباسی‌ای که در این راه گام برداشت، منصور عباسی بود که کینه عجیبی نسبت به فرزندان امیرالمؤمنین داشت و دستور تخریب قبر مطهر را اولین بار او صادر کرد. (شیخ عباس قمی، تنمۃ المنتهی، ص ۱۶۵)

پس از او هارون الرشید در سال ۱۹۳ هجری دستور انهدام ساختمان حرم مطهر را داد و درخت سدری را که نشانه قبر منور حضرت بود، قطع کرد. (محمد هاشم خراسانی، منتخب التواریخ، ص ۵۰۳)

نزدیک به چهل سال بعد، متوکل عباسی که نوه دختری هارون الرشید بود، بر مسند خلافت نشست و سیاست بسیار سختگیرانه‌ای را نسبت به شیعیان در پیش گرفت. نقل است او چهار بار مرقد مطهر امام حسین را ویران کرد و زمینش را به آب بست و در آن زراعت کرد تا اثری از آن حرم شریف باقی نماند و مردم آن را فراموش کنند؛ اما هرگز در این امر موفق نشد.

جلال الدین سیوطی در این باره می‌نویسد: متوکل در سال ۲۳۶ هجری دستور تخریب قبر حسین (ع) و بناهای اطرافش را صادر کرد و دستور داد تا همه زمین را شخم بزنند و بذر بکارند. متوکل به ضدیت شدید با اهل بیت رسول خدا معروف بود و مسلمانان از این بابت رنج می‌بردند... حتی اهل بغداد روی دیوارهای شهر به متوکل دشنام می‌نوشتند و برخی شعرا در هجو او می‌سرودند.

برای نمونه چنین می‌گفتند: متوکل تأسف می‌خورد که چرا با بنی امیه در کشتن حسین شرکت نداشته؛ به همین دلیل قبر حسین را تخریب می‌کند! (جلالالدین سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۳۴۷)

این اثیر در «کامل فی التاریخ» می‌نویسد: متوکل مردم را از زیارت حسین (ع) محروم نمود و اطلاعیه داد که هر کسی را نزد قبر حسین بیابیم، سه روز حبس کرده و سپس او را می‌کشیم. بدین وسیله بسیاری را از اطراف مرقد شریف دور کردند. متوکل بغض زیادی نسبت به علی بن ابیطالب داشت و دستور می‌داد تا اموال دوستان آن بزرگوار را ضبط و خودشان را سر به نیست کنند. نقل است که مرقد حسین (ع) تا هفت مرتبه تخریب و بازسازی شد؛ البته تخریب توسط دشمنان و بازسازی توسط دوستان. ابن اثیر جزری، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۲۵

در سال ۵۱۲ هجری خلیفه وقت عباسی «مسترشد» و فرزندش «راشد» به خزانه حرم حسینی دستبرد زدند و اموال و اشیای گرانبهائی را که شامل موقوفات و غیر موقوفات بود، غارت کردند. (اخبار الدولة العباسیة، ص ۱۴۵)

در سال ۱۲۲۶ ق نیز وهابی‌ها به سرکردگی «سعود بن عبدالعزيز» با لشکری دوازده هزار نفری به کربلا حمله کردند؛ در حالی که مردم به مناسبت عید غدیر به نجف اشرف رفته بودند و تقریباً کسی جز کودکان و زنان و پیران در شهر حضور نداشت. وهابی‌ها صدها تن را به خاک و خون کشیدند و اهانت‌ها نسبت به مرقد مطهر حسین (ع) مرتکب شدند. چوبهای ضریح مطهر را شکسته و از آن در پخت غذا و قهوه به عنوان هیزم آتش استفاده کردند. این واقعه آنقدر جانسوز بود که به «طف ثانی» یعنی کربلای دوم شهره گشت. (سید جواد عاملی، مفتاح الکرامه، خاتمه جلد پنجم)

دکتر دوايت دونالدسون در کتابی که درباره عقاید شیعه و تاریخش نوشته می‌گوید: از فاجعه کربلا بیش از هزار سال می‌گذرد، اما زائران همچنان به سوی آن سفر می‌کنند و تعدادشان روزافزون است. (دوايت دونالدسون، مذهب شیعه، ص ۷۷)

این همان است که امیرمؤمنان علی در روایت شیخ صدوق آن را پیش بینی فرموده است. حضرت می‌فرماید: «گویا می‌بینم بناهایی روی قبر حسین ساخته شده و می‌بینم که محملهایی به سوی قبر حسین می‌رود و شبی و روزی نمی‌گذرد، مگر اینکه از سراسر آفاق به سوی آن می‌آیند. (منتخب التواریخ، ص ۴۱۷)